

درس اوّل

تاریخ ادبیات

<p>نثر آهنگین، گوش‌نواز، زیبا و روان حکایت‌های کوتاه و متنوع بیش از چهارصد جمله و بیت از این کتاب، در شمار امثال و حکم درآمده است. سعدی در این اثر، در اوج بلاغت و قدرت از تجربه‌های خویش و چشم‌اندازهای زندگی می‌گوید و راه رسیدن به زندگی مطلوب و برتر را نشان می‌دهد.</p>	<p>گلستان سعدی</p>
<p>سرشار از معانی لطیف مانند شعری خوش‌ترکیب و موزون در خاطره‌ها می‌ماند. از بهترین نمونه‌های تحمیدیه در ادب فارسی است.</p>	<p>دیباچه‌ی گلستان</p>

واژگان

مُتّ:	احسان (مجاز از سپاس)	عزّوجلّ:	گرامی و بزرگ است.
طاعت:	فرمان‌برداری، عبادت	موجب:	سبب، باعث
قربّت*:	نزدیکی	به شکر اندرش:	در شکر او (خداوند)
مزید*:	افزونی، زیادی	مُمد*:	مدد کننده، یاری‌رساننده
حیات:	زندگی	مفرّح*:	شادی‌بخش، فرح‌انگیز
ذات:	هستی	واجب:	لازم
عهده:	مسئولیت	قلیل:	کم
شکور:	شکر گزار	تقصیر*:	گناه، کوتاهی کردن، کوتاهی
عذر:	پوزش	ورنه:	وگرنه
سزاوار:	شایسته	خوان:	سفره
بی‌دریغ*:	بی‌مضایقه	ناموس:	در «پرده‌ی ناموس بندگان»: آبرو و شرافت
ندرد:	پاره نمی‌کند	وظیفه:	مقرر و تعیین شده
منکر*:	زشت	فرّاش*:	فرش گستر، گسترده‌ی فرش
باد صبا:	بادی که از شرق می‌وزد.	زمرّدین:	سبزرنگ (از جنس زمرّد: سنگ گرانبهای سبز)
بنات:	دختران	نبات:	گیاهان
مهد*:	گهواره	خلعت*:	جامه‌ی دوخته که بزرگان به زیردستان بخشند.
قبا:	لباس بلند	ورق:	برگ درخت

قدوم *	آمدن، قدم نهادن	موسم:	هنگام
ربیع:	بهار	عصاره *:	آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند، شیر
تاک *:	درخت انگور	شهد:	شیرینی
فایق *:	برگزیده، برتر	نخل:	درخت خرما
باسق *:	بلند	فلک:	آسمان
سرگشته:	حیران	فرمانبردار:	مطیع
انصاف:	عدل و داد	در خبر است:	در حدیث آمده است.
کاینات:	موجودات جهان	مفخر *:	آن چه بدان فخر کنند.
صفوت *:	برگزیده و خالص از هر چیز	تتمه *:	به جای مانده، باقی مانده ی چیزی
مصطفی:	برگزیده (لقب پیامبر (ص))	شفیع:	شفاعت کننده
مطاع:	فرمان روا	نبی:	پیامبر
کریم:	بخشنده	قسیم:	زیبا
جسیم:	خوش اندام	نسیم:	خوش بو
وسیم:	دارای نشان پیامبری	بلغ العلی:	به مرتبه ی والا رسید.
کَشَفَ:	برطرف کرد	دجی:	تاریکی ها
حَسُنْتَ:	زیباست	خصال:	خوی ها و عادات نیک
اَمّت:	پیروان دین	بحر:	دریا
انابت *:	توبه	اجابت *:	پذیرفتن
جلّ و علا:	بزرگ و بلند مرتبه است.	ایزد:	خداوند
تعالی:	بلندمرتبه	اعراض *:	روی برگرداندن
تَضَرَّع *:	زاری کردن، التماس کردن	سبحانه:	پاک و منزّه است.
قد استحييت:	شرم دارم	لیس له غیری:	او جز من کسی را ندارد.
فقد غفرت له:	پس آمرزیدمش	عاکفان *:	کسانی که در مدّتی معین در مسجد به عبادت می پردازند.
جلال:	شکوه	معترف:	اعتراف کننده
واصف *:	وصف کننده، ستاینده	حلیه:	زیور
جمال:	زیبایی	تحیر *:	سرگشته شدن، سرگردانی
منسوب:	نسبت داده شده	صاحب دل:	عارف
جیب *:	گریبان، یقه	مکاشفت:	در اصطلاح عرفان پی بردن به حقایق (کشف کردن)
مستغرق *:	غرق شده	معاملت:	در «آن گه که از این معاملت بازآمد.» حالت عرفانی و اعمال عبادی
بازآمد:	برگشت	تحفه:	هدیه
کرامت *:	کرم، بخشش	اصحاب:	یاران
قیاس:	سنجش	وهم:	گمان

معنی و مفهوم درس

«ما هم چنان در اول وصف تو مانده‌ایم»

مَنْتَ خدای را، عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجبِ قربت است و به شکرِ اندرش مزیدِ نعمت؛ سپاسِ مخصوصِ خدای گرامی و بزرگ است که عبادت خدا سببِ نزدیکی به اوست و شکر او باعثِ افزایشِ نعمت است.

دانش‌های ادب: «مَنْتَ: مجاز از سپاس / تلمیح به «اگر سپاس بگزایید، بر نعمت شما می‌افزایم» / سجع: قربت، نعمت / جناس ناقص: که، به هر نفسی که فرو می‌رود، مُمدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّحِ ذات؛ هر نفسی که می‌کشیم (دم) یاری رساننده‌ی زندگی و زمانی که بیرون می‌آید (بازدم) شادی‌بخش وجود است.

دانش‌های ادب: «سجع: فرو می‌رود، برمی‌آید - حیات، ذات / تضاد: «فرومی‌رود ≠ برمی‌آید» / جناس ناقص: هر، بر پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب؛ پس در هر نفسی دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی شکرگزاری واجب است. دانش‌های ادب: «جناس ناقص: در، هر، بر

از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به درآید؟

هیچ کس قادر نیست خداوند را آن‌گونه که شایسته است چه با گفتار، چه با عمل سپاس بگذارد. دانش‌های ادب: «دست: مجاز از عمل و رفتار / زبان: مجاز از گفتار / مراعات نظیر: دست، زبان / مصراع اول کنایه از «توانایی» (در بیت استفهام انکاری وجود دارد.) / جناس ناقص: که، به

اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ: ای خاندان داوود سپاس گزارید و عده‌ی کمی از بندگان من سپاس‌گزارند. دانش‌های ادب: «تضمین (آیه قرآن)

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

همان بهتر که بنده از کوتاهی در عبادت و شکرگزاری، طلب بخشایش کند. دانش‌های ادب: «جناس ناقص: که، به در مصراع دوم (توجه: «به» در مصراع اول، به معنی بهتر است؛ مورد جناس نیست.) ورنه، سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

وگرنه کسی نمی‌تواند آن چنان که شایسته‌ی خداوند است، سپاس‌گزاری کند. دانش‌های ادب: «جناس ناقص: که، به (دو بیت در قالب قطعه سروده شده است.) بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده؛ رحمت بی‌حد و اندازه‌ی خداوند هم‌چون بارانی همه‌جا را در برگرفته است و نعمت بی‌دریغ خداوند هم‌چون سفره‌ای همه‌جا گسترده است.

دانش‌های ادب: «اضافه‌ی تشبیهی: باران رحمت (مشبّه: رحمت / مشبّه‌به: باران)، خوانِ نعمت (مشبّه: نعمت / مشبّه‌به: خوان) / سجع: رسیده، کشیده / جناس ناقص: را، جا / واج آرایی - (تابع اضافات): بارانِ رحمتِ بی‌حساب - خوانِ نعمتِ بی‌دریغ پرده‌ی ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه‌ی روزی به خطای منکر بُرد؛ خداوند، آبروی بندگان را با وجود گناهکاری آنان نمی‌ریزد و رزق و روزی مقرر آنان را با وجود گناهکاری آنان قطع نمی‌کند.

دانش‌های ادب: «اضافه‌ی تشبیهی: پرده‌ی ناموس (مشبّه: ناموس / مشبّه‌به: پرده) / پرده‌دیدن «کنایه از رسواکردن» / سجع: ندرد، بُرد فراشِ بادِ صبا را گفته تا فرشِ زمردینِ بگسترد و دایه‌ی ابرِ بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهدِ زمینِ پیرورد؛ خداوند به باد صبا که هم‌چون گسترده‌ی فرش است، دستور داده که سبزه و چمن را مانند فرشی سبز بگسترد و به ابرِ بهاری که هم‌چون دایه است، دستور داده که گیاهان هم‌چون دختران کوچک را در زمین که مانند گهواره است، پرورش دهد.

دانش‌های ادب: «چهار اضافه‌ی تشبیهی: فراشِ بادِ صبا (مشبّه: باد صبا / مشبّه‌به: فراش) - دایه‌ی ابرِ بهاری (مشبّه: ابرِ بهاری / مشبّه‌به: دایه) - بناتِ نبات (مشبّه: نبات / مشبّه‌به: نبات) - مهدِ زمین (مشبّه: زمین / مشبّه‌به: مهد) / جناس ناقص: نبات، بنات - را، تا / سجع: گفته، فرموده - بگسترد، پیرورد / فرشِ زمردینِ استعاره از چمن / جان‌بخشی: خداوند به بادِ بهاری و ابرِ بهاری گفته ... / مراعات نظیر: فراش، فرش، بگسترد - دایه، بنات، مهد، پیرورد.

درختان را به خلعتِ نوروزیِ قبایِ سبزِ ورق در برگرفته و اطفالِ شاخ را به قدومِ موسمِ ربیعِ کلاهِ شکوفه بر سر نهاده؛ خداوند برای درختان به عنوان خلعتِ نوروزی (لباس عید) جامه‌ای سبزرنگ از برگ پوشانده و به مناسبت فرارسیدن بهار، بر سر شاخه‌های کوچک، شکوفه قرار داده است. دانش‌های ادب: «جان‌بخشی: قدوم بهار - خلعت به درختان بخشیدن - کلاه شکوفه را بر سر شاخه نهادن / اضافه‌ی تشبیهی: قبایِ سبزِ ورق (مشبّه: ورق / مشبّه‌به: قبای سبز) - اطفالِ شاخ (مشبّه: شاخ / مشبّه‌به: اطفال) - کلاه شکوفه (مشبّه: شکوفه، مشبّه‌به: کلاه) / سجع: گرفته، نهاده / جناس ناقص: در، بر، سر / جناس تام: بر (در برگرفته) به معنی بدن با بر (در «بر سر نهاده»)

عصاره‌ی تاکی به قدرتِ او شهیدِ فایق شده و تخمِ خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته؛ شیرهی درخت انگور به واسطه‌ی قدرتِ خداوند به شیرینی برتر تبدیل شده و هسته‌ی ناچیزِ خرمایی به واسطه‌ی عنایت و پرورش او (خداوند) به درختِ خرمای بلند تبدیل شده است. **دانش‌های ادب**» سجع: شده، گشته / مراعات نظیر: تاک، شهید - خرما، نخل

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

تمام پدیده‌های هستی مانند ابر، باد، ماه، خورشید و فلک فعالیت می‌کنند تا تو روزی‌ات را به‌دست آوری. مبادا آن را به غفلت بخوری و از یاد خدا غافل باشی. **دانش‌های ادب**» نان: مجاز از روزی / واج‌آرایی - در مصراع اول / مراعات نظیر: ابر، باد، مه، خورشید و فلک

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

ای انسان، همه‌ی موجودات به‌خاطر تو مطیع و فرمانبردار هستند انصاف نیست که تو از خداوند اطاعت نکنی. **دانش‌های ادب**» دو بیت در قالب قطعه سروده شده است.

در خبر است از سرورِ کائنات و مَفخِرِ موجودات و رحمتِ عالمیان و صفوتِ آدمیان و تتمه‌ی دورِ زمانِ محمد مصطفی - صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ -؛ در حدیث آمده از پیامبر (ص) که سرورِ موجودات جهان و مایه‌ی افتخار است و مایه‌ی بخشایش و لطف خداوند بر جهانیان و برگزیده‌ی فرزندان آدم و مایه‌ی تمام و کمال بودن روزگار، محمد (ص)، که درود خداوند بر او و خاندانش باد.

شَفِیعٌ مُطَاعٌ نَبِیٌّ کَرِیم قَسِیمٌ جَسِیمٌ نَسِیمٌ وَ سَمِیم

او شفاعت‌کننده، فرمان‌روا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب‌جمال، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشان پیامبری است.

دانش‌های ادب» موازنه / جناس ناقص: قسیم، جسیم، نسیم، وسیم / واج‌آرایی در مصوت‌های «-» - «-» / «ی» / و صامت‌های «س»، «م»، «ن»

بَلَّغَ الْعَلٰی بِکَمَالِهِ، کَشَفَ الدُّجٰی بِجَمَالِهِ حَسَنَتٌ جَمِيعُ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَیْهِ و آلِهِ

به واسطه‌ی کمال خود به مرتبه‌ی بلند رسید و با جمال نورانی خود تاریکی‌ها را برطرف کرد. تمام خوبی‌ها و خصلت‌های پیامبر (ص) زیباست. بر او و خاندانش درود بفرستید.

دانش‌های ادب» جناس ناقص: کمال، جمال (بکماله)، جمال / واج‌آرایی «ل» و «ه»

چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح، کشتیان؟

ای پیامبر، پیروان تو غمی ندارند؛ زیرا حامی و پشتیبانی مانند تو دارند. همان‌طور که اَمّت نوح، به خاطر داشتن رهبری چون نوح غم نداشتند.

دانش‌های ادب» اضافه‌ی تشبیهی: دیوار اَمّت (مشبّه: اَمّت / مشبّه‌به: دیوار) / تلمیح به ماجرای حضرت نوح (ع) / مراعات نظیر: بحر، نوح، کشتیان / جناس ناقص: چه، که (بیت استفهام انکاری و «اسلوب معادله» دارد).

هر گه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دستِ انابت به امید اجابت به درگاه حق - جَلَّ و علا - بردارد؛ هرگاه که یکی از بندگان آشفته‌حال و گناهکار به امید پذیرفته‌شدن توبه، دست دعا به درگاه خداوند که بزرگ و بلند قدر است، بردارد...

دانش‌های ادب» جناس ناقص: اجابت، انابت - که، به. / پریشان روزگار: کنایه از بدبخت و بیچاره

ایزدِ تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند، باز اعراض کند. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند؛ خداوند بلندمرتبه به او و خواسته‌هایش توجه نمی‌کند. باز از درگاه خداوند تمنا می‌کند. باز خداوند روی برمی‌گرداند. بنده بار دیگر با زاری به خداوند التماس می‌کند.

دانش‌های ادب» نظر نکند: کنایه از بی توجهی

حق - سُبْحَانَهُ و تعالی - فرماید: یا مَلَائِکَتِی قَدْ اسْتَحْیِیْتُ مِنْ عِبْدِی و لَیْسَ لَهُ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم؛ خداوند پاک و منزّه می‌فرماید: ای فرشتگان من از بنده‌ی خود شرم دارم. او جز من پناهی ندارد؛ پس آمرزیدمش. دعای بنده‌ام را اجابت و امیدش را برآورده کردم؛ زیرا از این همه دعا و زاری بنده‌ام شرمگین شدم.

دانش‌های ادب» سجع: کردم، برآوردم، دارم.

کَرَمَ بَین و لطفِ خداوندگار گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار

لطف و کرم خداوند را ببین که بنده گناه می‌کند و او شرم می‌کند.

دانش‌های ادب» تلمیح به «یا مَلَائِکَتِی قَدْ اسْتَحْیِیْتُ مِنْ عِبْدِی و لَیْسَ لَهُ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ»

عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف که؛ ما عِبْدُنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ و اصفانِ حلیه‌ی جمالش به تحیر منسوب که؛ مَا عَرَفْنَاکَ حَقَّ مَعْرِفَتِکَ. عابدان و گوشه‌نشینان به قصد عبادت عظمت خداوندی، به کوتاهی خود در عبادت اعتراف می‌کنند که آن‌گونه که شایسته است تو را عبادت نکردیم و ستایشگران زیبایی خداوند، خود را سرگشته و متحیر می‌دانند که آن‌گونه که سزاوار شناسایی توست، تو را نشناختیم.

دانش‌های ادب» اضافه‌ی تشبیهی: کعبه‌ی جلال (مشبّه: جلال / مشبّه‌به: کعبه) - حلیه‌ی جمال (مشبّه: جمال / مشبّه‌به: حلیه) / تضمین: ما عبدناک حقّ عبادتک - ما عرفناک حقّ معرفتک / جناس ناقص: جلال، جمال / اشتقاق: عبدناک، عبادتک - عرفناک، معرفتک

گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

اگر کسی وصف خداوند را از من پرسد، من عاشق نمی‌توانم سخنی از معشوق بی‌نشان بگویم.

دانش‌های ادب: بی‌دل کنایه از «عاشق» / منظور از بی‌نشان: خداوند / (مصراع دوم، استفهام انکاری دارد).

عاشقان کشتگان معشوق‌اند بر نیاید ز کشتگان آواز

عاشقان فدایی معشوق هستند و نمی‌توانند حرفی بزنند.

دانش‌های ادب: اشتقاق: عاشق، معشوق / واج آرایی «ش» تکرار: کشتگان (دو بیت در قالب قطعه سروده شده است).

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ یکی از عارفان در حالت تأمل و تفکر عارفانه فرورفته بود و کاملاً غرق در احساسات عارفانه و پی بردن به حقایق عرفانی بود.

دانش‌های ادب: سر به جیب مراقبت فرو بردن کنایه از «در حالت تأمل و تفکر عارفانه خود را از هر چیزی جز خدا حفظ کردن» / اضافه‌ی تشبیه‌ی: بحر مکاشفت (مشبّه: مکاشفت / مشبّه‌به: بحر)

آن‌گاه که از این معامله باز آمد، یکی از دوستان گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ آن‌گاه که از این حالت عرفانی بیرون آمد و حالت طبیعی یافت، یکی از دوستان گفت: در آن حالت چه هدیه‌ای برای دوستان آوردی؟

دانش‌های ادب: بوستان استعاره از معرفت الهی / جناس ناقص: دوستان، بوستان - که، چه

گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه‌ی اصحاب را. چون رسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت! گفت: در نظرم بود وقتی به حقایق الهی دست یافتم و جمال حق را مشاهده کردم، بخشی از مکاشفات را به عنوان هدیه برای دوستان بیاورم؛ ولی وقتی با خداوند ارتباط قلبی پیدا کردم، آن‌چنان سرمست شدم که اختیار خود را از دست دادم.

دانش‌های ادب: درخت گل استعاره از معارف الهی / بوی گل استعاره از جلوه‌ی حق / دامن از دست دادن کنایه از «از خود بی‌خود شدن» / جناس ناقص: مست، دست - که، به.

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

ای بلبل، عشق‌ورزی را از پروانه یاد بگیر که جانش را در راه معشوق از دست داد و اعتراض نکرد.

دانش‌های ادب: مرغ سحر (بلبل)، نماد عاشق مجازی / پروانه: نماد عاشق حقیقی

این مدّعیان در طلبش بی‌خبران‌اند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

کسانی که ادّعا می‌کنند که عاشق خداوند هستند، در حقیقت غافل و بی‌خبرند؛ زیرا کسی که حقیقت را یافته، در راه حق فنا شده است و دیگر نمی‌تواند خبری بیاورد.

دانش‌های ادب: تکرار «خبر» (دو بیت در قالب قطعه سروده شده است).

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم

ای خدایی که برتر و والاتر از گمان و سنجش و پندار و بالاتر از هر آنچه که در وصف تو گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم، هستی.

دانش‌های ادب: واج آرایی مصوّت ـ

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما هم‌چنان در اول وصف تو مانده‌ایم

مجلس ذکر تو تمام شد و عمر ما به پایان رسید ولی ما هنوز در نقطه‌ی آغاز ذکر تو هستیم.

دانش‌های ادب: تضاد: «اول ≠ آخر» دو بیت موقوف‌المعانی هستند و در قالب قطعه سروده شده‌اند. / مجلس: مجاز از سخنان

تاریخ ادبیات

سده‌ی ششم شعری بهره‌مند از حکمت، اخلاق و وعظ	جمال الدّین عبدالرزّاق اصفهانی
در نعت و ستایش پیامبر (ص) با بهره‌گیری از آیات و احادیث، شخصیت پیامبر را وصف کرده است.	ترکیب‌بند مشهور جمال الدّین عبدالرزّاق اصفهانی

واژگان

سدره*:	نام درختی در بالای آسمان هفتم که به آن سدره المنتهی می‌گویند.	قَبّه*:	عمارت گنبدی شکل
عرش:	تخت، خیمه، کاخ، در «قَبّه‌ی عرش...»: بالاترین نقطه‌ی آسمان، فلک‌الافلاک	طاق نهم:	فلک‌الافلاک یا فلک نهم که بر افلاک دیگر احاطه دارد.
رواق*:	پیشگاه خانه، سایبان، ایوانکی که در طبقه‌ی دوم ساخته می‌شود.	شرع:	مذهب، دین
مه:	ماه	طاسک*:	طاس کوچک، آویز طلا و نقره‌ی زینتی
سمند:	اسب زردرنگ	طرّه:	دسته موی پیشانی (در «شب طرّه‌ی پرچم...»: رشته‌های سیاه حاشیه‌ی پرچم)
جبریل:	جبرئیل (یکی از چهار فرشته‌ی مقرب خداوند)	مقیم:	اقامت‌کننده، کسی که در جایی مسکن گرفته است.
آستان:	بارگاه، درگاه	افلاک:	آسمان‌ها (جمع فلک)
حریم:	پیرامون و گرداگرد خانه و عمارت	تعظیم:	بزرگ‌داشت و احترام
رقیب:	در «رقیب جان خرد کرد...»: مراقب و نگهبان		

معنی و مفهوم درس

«افلاک، حریم بارگاهت»

ای از بَرِ سدره شاهراحت وی قَبّه‌ی عرش تکیه‌گاهت

ای پیامبر والا مقام که در شب معراج از آسمان هفتم (درخت سدره المنتهی) گذشتی و در اوج آسمان (فلک‌الافلاک) منزل کردی. **دانش‌های ادب:** «تلمیح به معراج پیامبر / هم مصراع اوّل و هم مصراع دوم کنایه از «والا مقام بودن پیامبر» / اضافه‌ی تشبیه‌ی: قَبّه‌ی عرش (مشبّه: عرش / مشبّه‌به: قَبّه)

ای طاقِ نهمِ رواق بالا بشکسته ز گوشه‌ی کلاهت

ای پیامبری که بالاتر از فلک‌الافلاک هستی و مقام تو آن قدر بلند است که بلندای آسمان را ناچیز کرده است. (در شب معراج به بلندای آسمان راه پیدا کردی). **دانش‌های ادب:** «کلّ بیت کنایه از «والا مقام بودن» / تلمیح به معراج پیامبر.

هم عقل دویده در رکابت هم شرع خزیده در پناهت

ای پیامبر، تو آن‌چنان با عظمتی که هم عقل مطیع و خدمت‌گزار توست و هم دین در پناه تو محفوظ شده، از تو کمک گرفته است. **دانش‌های ادب:** «دویدن در رکاب کنایه از «مطیع و خدمت‌گزار بودن» / جان‌بخشی: عقل دویده در رکابت / استعاره‌ی مکنّیه: شرع خزیده در پناهت / موازنه (تمام کلمات با هم سجع دارند).

مه طاسک گردنِ سمندت شب طرّه‌ی پرچم سیاهت

ماه با تمام زیبایی و عظمتش به منزله‌ی زینت بخش گردن اسب توست و شب با تمام سیاهی چون رشته‌های سیاه حاشیه‌ی پرچم توست. **دانش‌های ادب:** «تلمیح به معراج پیامبر / تشبیه: مه به طاسک (مشبّه: مه / مشبّه‌به: طاسک) - شب به طرّه‌ی پرچم (مشبّه: شب / مشبّه‌به: طرّه‌ی پرچم) / اغراق / موازنه / مراعات نظیر: مه، شب، سیاه / واج آرایی -

جبریل مقیم آستانت افلاک، حریم بارگاهت

جبرئیل (فرشته‌ی حامل وحی) بر درگاه و آستان تو اقامت کرده است و آسمان با تمام عظمتش به منزله‌ی حریم بارگاه توست. **دانش‌های ادب:** «تلمیح به معراج پیامبر (ص) / هم مصراع اوّل و هم مصراع دوم کنایه از «والا مقام بودن پیامبر» / موازنه

چرخ ارچه رفیع، خاک پایت عقل ارچه بزرگ، طفل راهت

آسمان گرچه بلند است به منزله‌ی خاک پای توست و عقل اگرچه بزرگ است به منزله‌ی طفل راه توست. **دانش‌های ادب:** «چرخ استعاره از آسمان / تشبیه: چرخ به خاک پا (مشبّه: چرخ / مشبّه‌به: خاک پا) و عقل به طفل راه (مشبّه: عقل / مشبّه‌به: طفل راه) / خاک پا بودن کنایه از «بی‌مقداری و بی‌ارزشی» / طفل راه بودن کنایه از «ناتوانی» / موازنه / تکرار: ارچه

خوردست خدا ز روی تعظیم سوگند به روی همچو ماهت

ای پیامبر، خداوند به‌خاطر بزرگداشت تو، به روی هم‌چو ماهت قسم خورده است.

دانش‌های ادب: «تلمیح به «آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی حجر» (لَعْمَرُكَ أَتَمُّ لَفًی سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ: به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان‌اند.) / تشبیه: روی پیامبر به ماه (مشبّه: روی / مشبّه‌به: ماه / ادات تشبیه: همچو) / جناس تام: روی در مصراع اول: سبب و جهت، روی در مصراع دوم: چهره

ایزد که رقیب جان خرد کرد نام‌تو ردیف نام خود کرد

خداوند که عقل را محافظ و نگهبان جان قرار داد، نام تو را در کنار نام خود قرار داد.

دانش‌های ادب: «تلمیح به «آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائده»: اِنَّمَا وَلِیْکُمْ اِ. و رسوله (یا آیات دیگری که نام پیامبر بعد از نام خداوند آمده است.) / تشبیه: خرد به رقیب جان (مشبّه: خرد / مشبّه‌به: رقیب جان) / جان‌بخشی: مراقبت و نگهداری خرد. / مرجع ضمیر «تو»: پیامبر و «خود»: خداوند

بیاموزیم

نثر	قدیم ← از آغاز (قرن چهارم هجری) تا مشروطه جدید ← از مشروطه تا امروز (مانند فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی / بچه‌های آسمان / کباب غاز)
انواع نثرهای قدیم	<p>(۱) ساده (مرسل): فاقد آرایه‌های لفظی و لغات و اصطلاحات پیچیده و دشوار</p> <p>نمونه‌ها: تاریخ بلعی، قابوس‌نامه و سیاست‌نامه</p> <p>(۲) نثر مسجع و فنی: انواع سجع‌ها، مترادفات، تشبیهات، استعارات و توصیف‌های شاعرانه به صورت طبیعی و با رعایت اعتدال به‌کار رفته‌اند.</p> <p>نمونه‌ها: مناجات‌های خواجه عبدا... انصاری، کلیله و دمنه و گلستان سعدی</p> <p>(۳) نثر مصنوع و متکلف: سجع‌های متوالی، لغات، ترکیبات و اصطلاحات دشوار و تکلفات فراوان به‌گونه‌ای افراطی و خارج از حد اعتدال به‌کار رفته‌اند. درک و دریافت آثار این نوع نثر، دشوار است.</p> <p>نمونه‌ها: تاریخ جهان‌گشای جوینی، مرزبان‌نامه</p>

خودآزمایی

- در بیت زیر منظور از «تقصیر» چیست؟
«بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»
کوتاهی و سستی در عبادت
- در این درس، بر کدام صفات خداوند بیش‌تر تأکید شده است؟ دو جمله را که نشان‌دهنده‌ی این صفات هستند، بیان کنید.
رحمت: «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌درغش همه جا کشیده.»
عفو و بخشایش: (ستارالعیوب بودن): «پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.»
رزاق بودن: «وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد.»
رحمانیت: «دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.»
- بیت زیر با کدام بخش درس ارتباط معنایی دارد؟
«گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش»
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری
- گاه ضمیر متصل در جای اصلی خود قرار نمی‌گیرد؛ مثلاً در مصراع «زمانه به دست تو دادم کلید» از فردوسی، ضمیر «م» که باید بعد از کلید قرار بگیرد، بعد از فعل آمده است. نمونه‌ای دیگر از این کاربرد را در درس نشان دهید.
دامنم از دست برفت ← دامن از دستم برفت.

۵- در شعر «افلاک، حریم بارگاهت» دو نمونه تشبیه بیابید.

چرخ ارچه رفیع، خاک پایت عقل ارچه بزرگ، طفل راهت
مشبه مشبه به مشبه مشبه به

۶- نثر این درس (گلستان) جزء کدام نوع نثر است؟ چرا؟

نثر مسجع و فنی، چون دارای سجع است و آرایه‌های ادبی در آن به صورت طبیعی و با رعایت اعتدال به کار رفته است.

۷- بررسی کنید ترکیب‌بند چه نوع شعری است. بند دیگر این ترکیب‌بند را در کلاس بخوانید.

ترکیب‌بند، شعری است که از چند بخش تشکیل شده است و هر بخش آن از نظر قافیه و درون‌مایه همانند قصیده یا غزل است. این بخش‌ها را بیت متفاوت و نامکرری به هم پیوند می‌دهد.

توجه اگر بیت میان رشته‌ها عیناً تکرار شود به آن «ترجیع‌بند» می‌گویند.

در زیر، بند دیگری از ترکیب‌بند «جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی» را می‌آوریم:

وی قَبَهِی آسَمَان سَـرَایَت	ای آرزوی قَـدَر لَقَایِـت
ناگفته سَـزَای تَو ثَنَایِـت	در عَالَم نَطَق هِیچ نَاطِق
هر جَای که خَسروی، گدایت	هر جَای که خواجه‌ای، غلامت
هم جَنبش آسَمَان برایِـت	هم تَـابش اَختران ز رویِـت
قفلِ دَل گمَره‌ان دَعا یِـت	جان‌داروی عاشقان حَـدیث
تَا سَـرمه کُشد ز خَاکِ پایِـت	بَر دیـده‌ی آسَمَان، قَـدم نَـه

ای کرده به زیر پای کونین

بگذشته ز حدّ قاب قوسین

ترکیب‌بند

<input type="checkbox"/>	_____	<input type="checkbox"/>	_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____

ترجیع‌بند

<input type="checkbox"/>	_____	<input type="checkbox"/>	_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____
<input type="checkbox"/>	_____		_____

متفاوت است.

- ایزد که رقیب جان خرد کرد
○ نام تو ردیف نام خود کرد

+	_____	+	_____
+	_____		_____
+	_____		_____
+	_____		_____
+	_____		_____
+	_____		_____

- △ ای کرده به زیر پای کونین
△ بگذشته ز حدّ قاب قوسین

عیناً تکرار می‌شود.

- که یکی هست و هیچ نیست جز او
○ وحده لا اله الا هو

+	_____	+	_____
+	_____		_____
+	_____		_____
+	_____		_____
+	_____		_____
+	_____		_____

- که یکی هست و هیچ نیست جز او
○ وحده لا اله الا هو

سؤالات امتحانی

واژگان

- معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- ۱- تخم خرمایی به تربیتش نخل **باسق** گشته. (شهریور ۹۱)
- ۲- **خوان** نعمت بی دریغش همه جا کشیده. (فرداد ۹۱)
- ۳- عصاره‌ی تاکی به قدرت او **شهد فایق** شده. (فرداد ۹۰)
- ۴- مه **طاسک** گردن سمندت (دی ۸۸)
- ۵- در خبر است از **مکفوت** آدمیان. (فرداد و دی ۸۷)
- ۶- شب **طرّهی** پرچم سیاهت (دی ۸۷)
- ۷- یکی از صاحب‌دلان سر به **فیب** مراقبت فرو برده بود. (دی ۸۶)
- ۸- بازش بخواند، باز **اعراض** کند. (فرداد ۸۵)
- ۹- اطفال شاخ را به قدوم موسم **ربیع** کلاه شکوفه بر سر نهاده. (شهریور ۸۵)

معنی اشعار و عبارات

- معنی هر یک از قسمت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

- ۱۰- مَنّت خدای را، عزّوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. (فرداد ۹۲، ۸۹ و دی ۹۱ و ۹۰)
- ۱۱- اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. (فرداد ۹۰ و شهریور ۸۷)
- ۱۲- تخم خرمایی به تربیتش نخل **باسق** گشته. (شهریور ۹۰ و ۸۵)
- ۱۳- هر نفسی که فرو می‌رود، مُمدّ حیات است و چون بر می‌آید، مفرّح ذات. (شهریور ۸۹ و دی ۸۶)
- ۱۴- عصاره‌ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل **باسق** گشته. (دی ۸۹ و شهریور ۸۶)
- ۱۵- واصفان حلیه‌ی جمالش در بحر مکاشفت مستغرق شده بودند. (فرداد ۸۸)
- ۱۶- به‌خاطر داشت که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه‌ی اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت. (فرداد ۸۸ و ۸۶)
- ۱۷- خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده. (فرداد ۸۷)
- ۱۸- دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیورود. (فرداد ۸۷)
- ۱۹- شب، طرّهی پرچم سیاهت (شهریور ۸۷)
- ۲۰- عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف. (دی ۸۷)
- ۲۱- چرخ ارچه رفیع، خاک پایت عقل ارچه بزرگ، طفل راهت (دی ۸۶)
- ۲۲- ای طاقِ نُهَم رواق بالا بشکسته ز گوشه‌ی کلاهد (فرداد ۸۵)
- ۲۳- ایزد که رقیب جان خرد کرد نام تو ردیف نام خود کرد (شهریور ۸۵)
- ۲۴- پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش نَدرد و وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نَبُرد. (شهریور ۸۴)

درک مطلب و خودآزمایی

- ۲۵- در عبارت «پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد.» بر کدام صفات خداوند تأکید شده است؟
(فرداد ۹۱، ۸۷ و شهریور ۸۹)
- ۲۶- عبارت زیر برگرفته از «گلستان سعدی» است؛ به چه علت آن را نثر مسجع می‌دانیم؟ (ذکر دو دلیل کافی است).
(شهریور ۹۱)
«باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده»
- ۲۷- بیت زیر به چه واقعه‌ای تلمیح دارد؟
(شهریور ۹۱)
ای از بر سر سدره شاهره
وی قبه‌ی عرش تکیه‌گاهت
- ۲۸- در بیت «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد» منظور از «تقصیر» چیست؟
(شهریور ۹۰، ۸۷ و ۸۵)
- ۲۹- مراد از «فرش زمرّدین» در عبارت «فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد» چیست؟
(شهریور ۸۹ و فرداد ۸۵)
- ۳۰- کدام گزینه با آیه «لَعَمْرُکَ أَنَّهُمْ لَفَى سَكْرَتِهِمْ یَغْمَهُونَ» ارتباط معنایی دارد؟
(فرداد ۸۸)
الف) ایزد که رقیب جان، خرد کرد
نام تو ردیف نام خود کرد
ب) خورده‌ست خدا ز روی تعظیم
سوگند به روی همچو ماهت
- ۳۱- کدام گزینه مفهوم بیت «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» را بیان می‌کند؟
(فرداد ۸۸)
الف) بیان عشق و شیدایی
ب) پاک‌باختگی و بی‌ادعایی
ج) اتحاد و همیاری
- ۳۲- در عبارت «تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»
(شهریور ۸۸)
الف) منظور از تربیت چیست؟
ب) مرجع ضمیر «ش» به چه کسی برمی‌گردد؟
- ۳۳- کدام گزینه با بیت «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» ارتباط معنایی دارد؟
(دی ۸۸)
الف) آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
از میان جمله او دارد خبر
ب) سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی
خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی
- ۳۴- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید:
(شهریور ۸۷)
«ایزد که رقیب جان، خرد کرد
نام تو ردیف نام خود کرد»
الف) در مصراع اول «رقیب» به چه معناست؟
ب) در مصراع دوم منظور از «تو» کیست؟
- ۳۵- بیت «گفتم این شرط آدمیت نیست / مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش» با کدام یک از ابیات زیر ارتباط معنایی دارد؟
(دی ۸۷)
الف) گر کسی وصف او ز من پرسد
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟
ب) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌نبری
- ۳۶- در بیت زیر، شاعر «ماه» و «شب» را در برابر مقام پیامبر چگونه توصیف می‌کند؟
(فرداد ۸۶)
مه طاسک گردن سمندت
شب طره‌ی پرچم سیاهت
- ۳۷- در عبارت «عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبْدناک حَقَّ عِبَادَتِکَ»، عاکفان به چه امری اعتراف دارند؟ چرا؟
(فرداد ۸۶)
- ۳۸- با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها، پاسخ دهید:
(شهریور ۸۶)
ای طلاقِ نُهَم رواقِ بالا
بشکسته ز گوشه‌ی کلاهد
هم عقل دویده در رکابت
هم شرع خزیده در پناهت
الف) مفهوم کلی بیت اول را بنویسید.
ب) «دویدن عقل در رکاب» کنایه از چیست؟
- ۳۹- با توجه به عبارت «وظیفه‌ی روزی به خطای مُنکر نبرد.»
(شهریور ۸۶)
الف) عبارت به کدام صفت خداوند اشاره دارد؟
ب) منظور از «وظیفه‌ی روزی» چیست؟

- ۴۰- در عبارت زیر، سعدی به کدام صفات خداوند اشاره می‌کند؟
(فرداد ۸۵)
خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده، پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.
- ۴۱- با توجه به عبارت «به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کتم هدیه‌ی اصحاب را چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»:
(شهریور ۸۵)
الف) «به درخت گل برسیدم» بیانگر کدام حال عرفانی است؟
ب) «دامنم از دست برفت.» کنایه از چیست؟
- ۴۲- در بیت زیر، مراد از «مرغ سحر» و «پروانه» چیست؟
(فرداد ۸۴)
ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

دانش‌های ادب

- ۴۳- کدام یک از آثار زیر دارای نثر مرسل نیست؟
(فرداد ۹۲)
الف) تاریخ بلعمی
ب) گلستان سعدی
- ۴۴- کدام یک از آثار زیر دارای نثر مصنوع و متکلف است؟
(فرداد ۹۱)
الف) کلیله و دمنه
ب) مرزبان‌نامه
- ۴۵- در میان آثار زیر کدام دارای نثر مرسل هستند؟ (دو مورد)
(دی ۹۱ و فرداد ۸۹)
الف) مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری
پ) قابوس‌نامه
ب) سیاست‌نامه
ت) کلیله و دمنه
- ۴۶- کدام یک از آثار زیر دارای نثر مسجع و فنی است؟
(دی ۹۰)
الف) کلیله و دمنه
ب) مرزبان‌نامه
- ۴۷- نثر کتاب «کلیله و دمنه» جزو نثر محسوب می‌شود.
(فرداد ۸۸)
- ۴۸- نثر کتاب گلستان سعدی جزو کدام نوع نثر است؟
(شهریور ۸۸)
الف) مصنوع و متکلف
ب) مسجع و فنی
ج) ساده و مرسل
- ۴۹- درستی و نادرستی جمله‌ی زیر را مشخص کنید:
(دی ۸۸)
نثر کتاب مرزبان‌نامه ساده و مرسل است.
- ۵۰- نثر کتاب «سیاست‌نامه» جزو نثر محسوب می‌شود.
(فرداد ۸۷)
- ۵۱- نثر کتاب «تاریخ جهانگشای جوینی» جزو نثر محسوب می‌شود.
(شهریور ۸۷)
- ۵۲- موضوع ترکیب‌بند مشهور «جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی» چیست؟
(فرداد ۸۶)
- ۵۳- نوع نثر هر یک از آثار زیر را بنویسید:
(دی ۸۶)
الف) تاریخ جهان‌گشای جوینی
ب) مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری
- ۵۴- نوع نثر هر یک از آثار زیر را بنویسید:
(شهریور ۸۵ و ۸۴)
الف) گلستان سعدی
ب) قابوس‌نامه
پ) مرزبان‌نامه
- ۵۵- «جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی» شاعر چه قرنی است؟
(فرداد ۸۴)
- ۵۶- در بیت زیر، دو آرایه‌ی ادبی مشخص کنید.
(شهریور ۸۴)
چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

پاسخ سؤالات امتحانی

- ۲۰ گوشه‌نشینان (عابد) کعبه‌ی بزرگی خداوند به کوتاهی در عبادت اعتراف می‌کنند. (۰/۷۵)
- ۲۱ آسمان گرچه بلند است به منزله‌ی خاک پای توست (۰/۵) و عقل اگر چه بزرگ است به منزله‌ی طفل راه توست. (۰/۵)
- ۲۲ ای پیامبر، تو آن چنان بلند مقامی که فلک نهم با مرتبه‌ی رفیع خود در برابر تو، بی‌قدر و پست است. (۰/۷۵)
- ۲۳ خداوند که عقل را محافظ جان قرار داده است، نام تو (پیامبر اکرم (ص)) را در کنار نام خود آورده است. منظور آمدن نام پیامبر اکرم (ص) بعد از نام خدا در برخی آیات قرآن است. (۱)
- ۲۴ (خداوند) آبروی بندگان را با وجود گنهکاری آنان نمی‌ریزد و رزق و روزی مقرر آن‌ها را با وجود خطاکار بودنشان قطع نمی‌کند. (۱)
- ۲۵ ستارالعیوب بودن یا عیب‌پوشی خداوند (۰/۲۵)، رزاق (۰/۲۵)
- ۲۶ به دلیل استفاده از سجع، تشبیهات و توصیفات شاعرانه به صورت طبیعی و با رعایت اعتدال (۰/۵) (دو مورد)
- ۲۷ معراج پیامبر اسلام (ص) (۰/۲۵)
- ۲۸ کوتاهی در عبادت (۰/۲۵)
- ۲۹ سبزه‌زار (۰/۲۵) (چمن)
- ۳۰ گزینه‌ی (ب) (۰/۵) (خوردست خدا ز روی تعظیم/ سوگند به روی همچو ماهت)
- ۳۱ گزینه‌ی (ب) (۰/۵) (پاک‌باختگی و بی‌ادعایی)
- ۳۲ الف) توجه و لطف - پرورش یا هر مضمون مشابه (۰/۲۵)
ب) خداوند (۰/۲۵)
- ۳۳ گزینه‌ی «الف» (۰/۵)
- ۳۴ الف) نگهبان، محافظ، مراقب (۰/۲۵)
ب) پیامبر اسلام (ص) (۰/۲۵)
- ۳۵ گزینه‌ی «ب» (۰/۲۵) (همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار/ شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری)
- ۳۶ ماه را گردن‌آویز اسب پیامبر می‌داند (۰/۲۵) و شب را همچون رشته‌های سیاه حاشیه‌ی پرچم پیامبر. (۰/۲۵)
- ۳۷ به کوتاهی در عبادت خداوند اعتراف می‌کنند. (۰/۲۵)، زیرا خداوند را آن‌گونه که شایسته است، پرستش نکرده‌اند. (۰/۲۵)

- ۱ بلند (۰/۲۵)
- ۲ سفره (۰/۲۵)
- ۳ برگزیده، برتر (۰/۲۵)
- ۴ آویز طلا و نقره‌ی زینتی (۰/۲۵)
- ۵ برگزیده و خالص از هر چیز (۰/۲۵)
- ۶ دسته‌موی پیشانی، در این‌جا رشته‌های سیاه حاشیه‌ی پرچم (۰/۲۵)
- ۷ گریبان، یقه (۰/۲۵)
- ۸ روی برگردانیدن (۰/۲۵)
- ۹ بهار (۰/۲۵)
- ۱۰ ستایش مخصوص خداوند (۰/۲۵) بزرگ و گرامی است. (۰/۲۵) که فرمان بردن از او باعث نزدیکی به اوست. (۰/۲۵) و شکر او موجب افزایش نعمت است. (۰/۲۵)
- ۱۱ بر سر شاخه‌های کوچک، (۰/۲۵) با فرا رسیدن فصل بهار (۰/۲۵) کلاهی از شکوفه گذاشته است. (۰/۲۵)
- ۱۲ دانه‌ی خرمایی (۰/۲۵) با پرورش خداوند (۰/۲۵) درخت نخل بزرگی شده است. (۰/۲۵)
- ۱۳ هر نفسی که می‌کشیم (دم)، یاری‌دهنده‌ی زندگی است (۰/۵) و آن‌گاه که بالا می‌آید (بازدم) شادی‌بخش وجود است. (۰/۵)
- ۱۴ شیره‌ی درخت انگور، با قدرت خداوند، به شیرینی برگزیده تبدیل شده و هسته‌ی خرمایی با پرورش خداوند به درخت خرمای بلندی تبدیل گشته است. (۱)
- ۱۵ ستاینندگان زیور زیبایی خداوند در دریای (کشف) حقایق الهی غرق شده بودند. (۱)
- ۱۶ تصمیم داشتم وقتی که به قرب الهی و معنویات می‌رسم (۰/۲۵) به عنوان هدیه دامن‌ی برای یاران پر کنم. (۰/۲۵) وقتی رسیدم لذات قرب الهی و معنویات آن، چنان مرا از خود بی‌خود کرد (۰/۲۵) که بی‌اختیار شدم. (۰/۲۵)
- ۱۷ سفره‌ی نعمت بی‌مضایقه‌ی او همه جا گسترده شده. (۰/۲۵)
- ۱۸ به ابر بهاری فرمان داده تا همچون دایه‌ای (۰/۲۵) گیاهان را (۰/۲۵) همچون دخترانی (۰/۲۵) در گهواره‌ی زمین به‌پروراند. (۰/۲۵)
- ۱۹ شب مثل رشته‌های حاشیه‌ی پرچم سیاه توست. (۰/۲۵)

۳۸	الف) مقصود شاعر این است که تو آن چنان بلندمقامی که گوشه‌ی کلاحت بالاتر و برتر از فلک نهم است. (۰/۲۵)
	ب) کنایه از مطیع بودن یا نظایر آن (۰/۲۵)
۳۹	الف) رزاق بودن خدا (۰/۲۵)
	ب) رزق مقرر و معین (۰/۲۵)
۴۰	رزاق بودن (۰/۲۵)، ستارالعیوب بودن (۰/۲۵)
۴۱	الف) مرحله‌ی وصال و رسیدن به حق (۰/۵)
	ب) کنایه از بی‌خودی عارفانه یا از خود بی‌خود شدن یا بیانگر مقام فناء فی‌الله است. (۰/۵)
۴۲	مرغ سحر: کسی که ادعای عشق دارد یا نظایر آن (۰/۲۵)، پروانه: عاشق واقعی و سالک راه معشوق (۰/۲۵)
۴۳	گلستان سعدی (۰/۲۵)
۴۴	مرزبان‌نامه (۰/۲۵)
۴۵	سیاست‌نامه (۰/۲۵) و قابوس‌نامه (۰/۲۵)
۴۶	کلیله و دمنه (۰/۲۵)
۴۷	مسجع (فتی) (۰/۲۵)
۴۸	گزینیه (ب) (۰/۲۵)
۴۹	نادرست (۰/۲۵)
۵۰	ساده (مرسل) (۰/۲۵)
۵۱	مصنوع و متکلف (۰/۲۵)
۵۲	نعت و ستایش پیامبر بزرگوار اسلام (ص) (۰/۲۵)
۵۳	الف) مصنوع و متکلف (۰/۲۵)
	ب) مسجع و فتی (۰/۲۵)
۵۴	الف) مسجع و فتی (۰/۲۵)
	ب) ساده (۰/۲۵)
	پ) مصنوع و متکلف (۰/۲۵)
۵۵	قرن ششم (۰/۲۵)
۵۶	تلمیح، جناس، مراعات نظیر، تشبیه، اسلوب معادله یا هر آرایه‌ی موجود دیگر (دو مورد هر مورد (۰/۲۵))

آزمون سوالات چهارگزینه‌ای

۱. مفهوم عرفانی واژه‌ی «کرامت» در همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت یکسان است. (تجربی ۹۱)

- با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف
- کرامت کن درونی دردی‌پرورد
- چندان که زدم لاف کرامات و مقامات
- چو بدین گهر رسیدی، رسد که از کرامت
- هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد
- دلی در وی برون درد و درون درد
- هیچم خبر از هیچ مقامی نفرستاد
- بنهی قدم چو موسی گذری ز هفت دریا

۲. مفهوم «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟» با همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت تناسب دارد. (هنر ۹۱)

- آن دهان نیست که در وصف سخن‌دان آید
- چون سخن در وصف این حالت رسید
- خدای را به صفات زمانه وصف مکن
- وصف خوبی‌ی او چه دانم گفت؟
- مگر اندر سخن آیی و بدانم که لب است
- هم قلم بشکست و هم کاغذ درید
- که هر سه وصف زمانه‌ست «هست» و «باید» و «بود»
- هرچه گویم هزار چندین است

۳. در کدام گزینه همه‌ی ترکیب‌ها «اضافه‌ی تشبیه‌ی» است؟ (ریاضی ۸۹)

- گوشه‌ی کلاه- روی ماه- روی تعظیم- قبه‌ی عرش
- عصاه‌ی تاک- شهد فایق- موسم ربیع
- آبروی بندگان- جمال عشق- اوج بلاغت- تقصیر خویش
- بنات نبات- بحر مکاشفت- مهد زمین- تیر مژگان

۴. در کدام گزینه، همه‌ی ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» اند؟ (انسانی ۸۹)

- عتاب معلم- مرغان بیشه- صفحه‌ی ضمیر- امید دیدار
- آفتاب وفا- مهمهمه‌ی شاگردان- بانگ طرب- خار غم
- سر خویش- لطافت طبع- زبان تدریس- فرقت یار
- شتاب مرگ- طره‌ی پرچین عشق- قفای مراقبت- گریبان مکاشفت

۵. در هر یک از ابیات زیر، به ترتیب غرض از «ضمیر دوم شخص مفرد» کیست؟ (تجربی ۸۸)

الف) مَه طاسک گردن سَمندت	شب طرّی پرچم سیاهت
ب) همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار	شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری
ج) مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر	ما هم‌چنان در اوّل وصف تو مانده‌ایم
د) چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان	چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

- (۱) آفریننده - آدمی - پیامبر اسلام (ص) - آفریدگار
(۲) آفریننده - آدمی - حضرت محمد (ص) - حضرت محمد (ص)
(۳) حضرت محمد (ص) - آدمی - حضرت محمد (ص) - آفریننده
(۴) حضرت محمد (ص) - آدمی - آفریدگار - حضرت محمد (ص)

۶. بیت «ای از بر سدره شاهراحت / وی قَبّه‌ی عرش تکیه‌گاهت» با همهی ابیات، به استثنای بیت نوعی ارتباط مفهومی دارد؟ (انسانی اختصاصی ۸۸)

۱) رفت بدان راه که هم‌ره نبود	این قدمش زان قدم آگه نبود
۲) اوّل او اوّل بسی‌ابتدا	آخر او آخر بسی‌انتها
۳) هر که جز او بر در آن راز ماند	او هم از آمیزش خود بازماند
۴) هم‌سفرانش سپر انداختند	بال شکستند و پیر انداختند

۷. مفهوم عبارت «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌درغش همه‌جا کشیده» به مفهوم کدام بیت نزدیک است؟ (فارغ از کشور ۸۸)

۱) از سَفله مَخواه هیچ زَنهار	کاطلس نشود پَلاس هرگز
۲) روزی ز خزانهِی کسی خواه	کاو را نبود مَکاس هرگز
۳) گر ترکِ طمع کنی، نباشد	ای دل ز گُست هراس هرگز
۴) نی محنت عشق دیده هرگز	نی جورِ بتان کشیده هرگز

۸. بیت «چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» با کدام گروه ابیات، مفهومی مشترک دارد؟ (ریاضی ۸۷)

الف) گر هزاران دام باشد هر قدم	چون تو با مایی، نباشد هیچ غم
ب) دست در دامن مردان زن و اندیشه مدار	هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش؟
ج) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم	وز لوح سینه نقشش هرگز نگشت زایل
د) هر دلی کز قَبَل شادی او شاد بُوَد	گُرش طوفانِ غمان بارد، غمگین نکند
ه) هر که در سایه‌ی عنایت اوست	گنهِش طاعت است و دشمن دوست
و) نه غم و اندیشه‌ی سود و زیان	نه خیال این فلان و آن فلان
ز) چون عنایات بود با ما مقیم	کی بود بیمی از آن دزد لئیم؟

- (۱) الف، ب، ج (۲) د، ج، ب (۳) ه، و، ز (۴) ه، الف، ز

۹. عبارت «وظیفه‌ی روزی به خطای مُنکر نبرد.» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (زبان ۸۷)

۱) مهتّا کنِ روزی مار و مور	اگر چند بی‌دست و پایند و زور
۲) ولیکن خداوند بالا و پست	به عصیان در رزق بر کس نیست
۳) پرستار امرش همه چیز و کس	بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس
۴) چنان پهن خوان کرم گسترده	که سیمِ مرغ در قاف روزی خورد

۱۰. در عبارت «هر که یکی از بندگان گنه‌کار پریشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جلّ و علا - بردارد، ایزد تعالی در وی نظر نکند؛ بازش بخواند. باز اعراض کند. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند. حق - سُبْحانَهُ و تعالی - فرماید: یا ملائِکَتی قَدْ اسْتَخَیْتُ مِنْ عِبْدی وَ لَیسَ لَهُ غَیْری فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ» به کدام عامل در پذیرش درخواست بنده‌ی خطاکار تکیه شده است؟ (هنر ۸۷)

- (۱) مداومت بر انابت و استغفار
(۲) قصد انابت به امید اجابت
(۳) همراهی و دل‌سوزی ملائک با بنده‌ی خاطی
(۴) اظهار تنهایی و بی‌یاوری بنده‌ی خطاکار

(ریاضی ۸۳، انسانی ۶۶ و آزاد تجربی ۷۹)

۱۱. معانی واژه‌های «صفوت - نسیم - وسیم - دُجی - حلیه» کدام است؟

- (۱) روشنی - معطر - دارای نشان - مرغ - زینت
- (۲) برگزیده - خوش‌بو - دارای نشان - تاریکی‌ها - زیور
- (۳) روشن - خوش‌بو - شناخته شده - تاریک - زیور
- (۴) خلوص - باد ملایم - داغ‌دار - مرغ - زینت

۱۲. مفهوم عبارت «گفت: به‌خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه‌ی اصحاب را؛ چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد

(ریاضی ۸۳)

که دامنم از دست برفت.» به مفهوم کدام عبارت نزدیک‌تر است؟

- (۱) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
- (۲) عصاره‌ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده.
- (۳) واصفان حلیه‌ی جمالش به تحیر منسوب که «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»
- (۴) عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»

(زبان ۸۳ و هنر ۷۹)

۱۳. معانی همه‌ی واژه‌های «اعراض - انابت - تتمه - فایق - مَفخر» در کدام گزیه درست است؟

- (۱) ظواهر - بازگشت - پایان - بهتر - مایه‌ی سرافرازی
- (۲) روی برگرداندن - توبه - آخرین نفر - موفق - افتخارآمیز
- (۳) روی برگرداندن - توبه - باقی‌مانده - برتر - مایه‌ی سربلندی
- (۴) سرپیچی کردن - بازبینی اعمال - پایان بخش - بهتر - افتخارآفرین

(هنر ۸۳)

۱۴. ابیات زیر در چه قالبی سروده شده است و نمادِ عاشق واقعی کدام است و ویژگی بارز عاشق چیست؟

«ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»

- (۱) قطعه - پروانه - صبر و سکوت
- (۲) دوبیتی - مرغ سحر - ذکر و سرود
- (۳) رباعی - پروانه - سوز و گداز عاشقانه
- (۴) دوبیتی - مرغ سحر - سکر و سرمستی

(ریاضی ۸۱)

۱۵. در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی آرایه‌ی «سجع» مشهود است.

- (۱) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل، در خشک نمیرد.
- (۲) نصیحت پادشاه کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.
- (۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.
- (۴) ارادت بی‌چون، یکی را از تخت شاهی فروآرد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

۱	۲	۳	۴	
۱	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>

۱	۲	۳	۴	
۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
۶	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۷	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>

۱	۲	۳	۴	
۹	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۰	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۱	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

۱	۲	۳	۴	
۱۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۴	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۱۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>